

جزوه

# رایجهای تکلیف

تألیف

ایادی امرالله جناب علی کبر فروتن

مؤتسسه ملی مطبوعات امری

۱۲۹۰ بیع

جزوه

راهنمای تکلیف

## مطالب عمومی راجع به تبلیغ

مم

### اول - تبلیغ یعنی چه ؟

کلمه "تبلیغ" که در آثار بهائی زیاده دیده میشود مخفف جمله "تبلیغ امر الله" است که بفارسی میتوان آن را رساندن پیام الهی بمردمان تعبیر نمود.

نشر نجات الله و ابلاغ کلمه الله نیز بهمین معنی در معارف امری استعمال میشود. مثلا وقتی میگویند فلان تبلیغ شد مقصود آن است که پیام حق و امر الهی باور رسید و ایمان آورد. بدین ترتیب هر کس کلمه الله را بمردم میرساند و پیام ملکوت را بنفوس ابلاغ میکند مبلغ امر الله است و ناشر نجات الله.

نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که در جامعه بهائی طبقه و صنف مخصوصی که تبلیغ امرالله بآنان اختصاص داشته باشد و دیگران از آن معاف و معذور باشند وجود ندارد و حضرت بهاءالله همه اهل بها را مأمور به تبلیغ فرموده اند و وظیفه وجدانی و فریضه روحانی هر مؤمن مخلصی رساندن پیام الهی بدیگران است .  
حضرت بهاءالله میفرمایند :

" امر تبلیغ مخصوص گل از سما مشیت نازل  
یعنی گل بآن مأمورند ."

و نیز میفرمایند :

" طوبی از برای نفسی که نفسی را بشریعه  
باقیه کشاند و بحیات ابدیه دلالت نماید  
هذا من اعظم الاعمال عند ربك المزیز المتمال"

( ٤ )

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

" هر نفسی که ثابت بر عهد است ولو بظاهر  
خواندن ابجد نداند باید در فکرا عـ لاء  
کلمة الله و تبلیغ باشد " .

و نیز میفرمایند :

" تکلیف هر نفسی از احمای الهی آنست که  
شب و روز آرام نگیرد و نفسی بر نیارد جز بفکر  
نشر نجات الله " .

حضرت ولی امر الله میفرمایند :

" الیوم تبلیغ بشرائط مدونه در الواح  
فریضة هر نفسی است که خدمت بعثه علیها  
را طالب و آمل باشد " .

دوم - تبلیغ باعمال

شخص مبلغ یعنی کسی که در صدور تبلیغ

دیگران است باید در هدایت نفوس با امر  
 حضرت بهاء الله بقول تنها اکتفا نکند و آنچه  
 را از احکام و تعالیم بهائی بصتدی یعنی  
 کسیکه تازه بتحقیق در امر حضرت بهاء الله  
 ابتدا کرده القا میکند باید خود نیز بآن  
 عامل باشد و الا کلامش موثر نخواهد بود .  
 حضرت بهاء الله میفرماید :

" اعمال حسنه و اخلاق روحانیّه بنفسه  
 میبغ امرند . "

" اگر مدعیان محبت الیوم بآنچه در السواح  
 از قلم اعلی نازل شده تصک نمایند و عمل کنند  
 عنقریب انوار آثار الهی بر گل تجلی نماید . "  
 حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" ایمان و ایقان مانند شجر بوستان است  
 و افعال و اعمال ممدوحه در کتاب بمثابة ثمر

سراج را نور ساطع لازم و نجوم را شعاع لامع  
واجب " .

حضرت ولی امرالله میفرمایند :  
" باید اعمال ممد و مثبت بیان در تبلیغ  
گردد " .

سوم - چرا باید تبلیغ کنیم ؟

ما که بهائی هستیم بخوبی میدانیم که نوع  
انسان در هر زمان محتاج بتربیت روحانسی  
والهیست و پیمبران ربی و معلم آسمانی هستند  
که بدون تعلیمات آن نفوس مبارکه مردم راحت  
و آسایش حقیقی ندارند و آرامش و سکون واقعی  
نیابند و در صلح و صفا زندگی نکنند . در عصر ما  
حضرت بهاء الله فرستاده خداوند علی اعلی  
هستند و تعالیم ایشان یگانه وسیله تولید



محبت در قلبها و مروج آشتی و وفا و رافع  
 و دافع بغض و کینه و جنگ و جدال از دنیا است.  
 شاهد و دلیل اجتماع جمع کثیری از پیروان  
 ادیان و مذاهب مختلفه و اقوام و ملل متوعه  
 از هر رنگ و نژاد در خیمه بیگانگی و سراپرده  
 برادری و برابری است که گل بر اثر ایمان بحضرت  
 نبیاء الله مانند افراد يك خانواده بیکدیگر  
 پیوسته و عداوت و بیگانگی گذشته را بالمیره  
 از یاد برده اند. پس اهل بها که طالب  
 سعادت عالمیاند باید این پیام شفا بخش  
 الهی را بجمیع افراد بشر از شرقی و غربی  
 و سفید و سیاه و زرد و سرخ ابلاغ نمایند  
 تا آنان را از افکار بیهوده و عقائد نکوهیده  
 که جز خونریزی و ویرانی ثمری دیگرند داشته  
 و ندارد بنیروی اسم اعظم خداوند مالک امم

نجات بخشند و چراغ هدایت را در قلوبشان روشن سازند .

### چهارم - تائید الهی موكول بر تبليغ است

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

” بساط تبليغ باید در جمیع احيان <sup>در هر</sup> ممدو

زیرا تائید الهی موكول بر آن اگر نفسی بجان

و دل در نهایت همت کمر بر تبليغ امر الله

نیندازد البتّه از تائید ملکوت ابهی محروم

ماند ..... ”

این نکته واقعا دقیق و مهمّ است زیرا

از بیان مبارك حضرت عبدالبهاء بالصّراحه

مستفاد میشود که هر کس به تبليغ امر الله قیام

نماید و دارای شفا بخش ملکوتی را بنفوس در ماند

و بیمار نرساند ” البتّه از تائید ملکوت ابهی

محروم مانده .

محرومیت از تائید الهی مراد ف یا سرگ  
 روحانیست و در مثل بدان مائده که قوه برق  
 بچراغ نرسد و خانه در تاریکی فرورود و یا  
 نور آفتاب بر زمین ننهد و حیات بمعنی الکمه  
 مبدل به ممات شود . همه میدانند که دستگاه  
 گیرنده رادیو وقتی مرتب باشد باسانی امواج  
 مغناطیسی را ازضا گرفته با امواج صوتی تبدیل  
 مینماید و شنوندگان بالنتیجه از نفعات دلکش  
 و اصوات فرحبخش بهره مند میشوند . لکن اگر  
 اندک خللی در آن رخ دهد و فی المثل سیمی  
 بسوزد و یا جریان برق قطع گردد فی الحین  
 آنهمه نغمه و آواز از میان میرود و با آنکه موج  
 در اوج است ولی گوش ما از درک آن عاجز  
 و محروم . بهمین نحو تائیدات ملکوت ابهتی

وفیوضات عالم بالا مارا از هر سو احاطه کرده  
 و بهترین وسیلهٔ اخذ و جذب آن سعی و کوشش  
 ما در تبلیغ دیگران و هدایت مردمان است .

### پنجم - معنی حکمت در تبلیغ

در بیانات مبارکه راجع بامر تبلیغ ذکر  
 " حکمت " زیاد بمیان آمده و مکرر تأکید شده  
 که تبلیغ باید توأم با حکمت باشد و شخص مبلغ  
 باید از روی کمال حکمت پیام الهی را بنفوس  
 طالبه برساند این است که حضرت عبدالبهاء  
 برای رفع هرگونه سوء تفهّم درین زمینه  
 معنی حکمت را روشن فرموده اند قوله الاحلی:  
 " حکمت این است که بمدارای الهی  
 و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق  
 رحمانی و افعال ربّانی تبلیغ نماید نه اینکـه

به صمت و سکوت پردازد و بگلی فراموش نماید .  
 حضرت ولی امرالله درین باره چنین میفرماید :  
 " از جمله شرائط منزله ..... مراعات  
 حکمت است و ملاحظه مقتضیات زمان و مکان  
 شخص مبلغ اولاً استعداد طالب و نوایای  
 قلبیه و مشرب و محیطش را بدقت ملاحظه  
 نموده آغاز صحبت نماید ..... "

حضرت بهاءالله درالواح مبارکه احبای الهی  
 را به طبیبان معنوی تشبیه فرموده اند و حکیم  
 در قدیم باطبا نیز اطلاق میشده همانطور که  
 طبیب ابتدا مریض را معاینه و مرض را تشخیص  
 میدهد و سپس دوا میدهد شخص مبلغ هم  
 باید اول از عقیده و افکار و مشرب و مرام  
 مبتدی آگاه گشته و بعد القاء کلمه  
 نماید .

تمام پیمبران و کلیه مظاهر الهیه پیروان  
 خویش را به تبلیغ مردمان امر فرموده و این  
 وظیفه را از مهمترین وظائف روحانی آنان  
 دانسته اند . حضرت بودا که یکی از انبیاء  
 عظیم الشان هستند و تقریباً در ششصد سال  
 قبل از میلاد مسیح نفوس را هدایت و بسرا<sup>ه</sup>  
 راست دلالت فرموده اند و الحال نزدیک  
 به هفتصد ملیون نفر در هندوستان و چین و ژاپن  
 و سیلان و تبت و مانند آن خود را بودائی میدانند  
 تعلیمات اخلاقی و اصول دینی خود را فقط با  
 تبلیغ و نصیحت و قیام نفوس مؤمنه با ارشاد نام  
 منتشر ساخته اند .  
 در کتب تاریخیه حکایتی وارد شده که بسیار  
 خواندنیست :

وقتی حضرت بودا یکی از شاگردان مقرب خود را برای تبلیغ تعالیم جدید بسفر میفرستاده میان ایشان گفتگوی ذیل بعمل آمده است :

بودا - نفوسی که تو مأمور هدایت آنانی بسیار ظالم و خونخوارند اگر ترا دشنام دهند چه خواهی کرد ؟ .

شاگرد - درینصورت با خودم خواهم اندیشید که اینها بسیار مردمان خوب و حلیم هستند که فقط بدشنام اکتفا کرده و ویران نمیکنند .

بودا - اگر ترا بزنند چه خواهی گفت ؟

شاگرد - در آنوقت خواهم گفت که چون مرا با شمشیر مجروح نکرده اند بسیار مردمان نیکو هستند .

بودا - اگر ترا با شمشیر مجروح کنند چه خواهی کرد ؟ .

شاگرد - خواهم گفت که چون مرا نکشته اند  
اشخاص مهربانی هستند .

بودا - اگر بخواهند ترا بکشند چه فکر خواهی  
کرد ؟ .

شاگرد - با خود خواهم اندیشید که باید ازینان  
تشکر نمود زیرا مرا از زندگی مادی خلاص  
کرده بحیات ابدی رسانده اند .

آنوقت بودا از شاگردش اظهار رضامندی کامل  
فرمود و او را بسفر تبلیغی فرستاده است .

حضرت مسیح نیز حواریون و شاگردان  
خویش را بکمال تأکید مأمور تبلیغ فرموده است و  
آنان نیز بر اثر دستور آنحضرت در اقطار جهان  
پراکنده شده و امر الهی را بمردمان رسانده اند  
و اکنون قرب چهارصد میلیون نفر مسیحی هستند  
و در تمام عالم موجودند .



آیات ذیل از باب دهم انجیل متی که یکی از انجیل های چهارگانه است انتخاب شده که در آن حضرت عیسی بصریح بیان پیروان خویش را به تبلیغ مأمور فرموده اند :

" نزد گوسفندان گم شده اسرائیل بروید و چون میروید موعظه کرده بگوئید که ملکوت آسمان نزدیک است ..... و در هر شهری یا قریه ای که داخل شوید بپرسید که در آنجا که لیاقت دارد پس در آنجا بمانید تا بیرون روید و چون بخانه ای در آئید بر آن سلام نمائید پس اگر خانه لایق باشد سلام شما بر آن واقع خواهد شد و اگر نالایق بود سلام شما بشما خواهد برگشت و هر که شما را قبول نکند یا بسخن شما گوش ندهد از آنخانه یا شهر بیرون شده خاک پایهای خود را برافشانید ..... من شما را

مانند گوسفندان در میان گرگان میفرستم پس مثل  
 مارها هوشیار و چون کبوتران ساده باشید اما  
 از مردم بر حذر باشید زیرا که شما را بمجلسها  
 تسلیم خواهند کرد و در کنائس خود شما را تا زیانه  
 خواهند زد ..... اما چون شما را تسلیم کنند  
 اندیشه مکنید که چگونه یا چه بگوئید زیرا در  
 همان ساعت بشما عطا خواهد شد که چه باید گفت..  
 بجهت اسم من جمیع مردم از شما نفرت خواهند  
 کرد لکن هر که تا با خرصبر کند نجات یابد  
 و وقتی که در یک شهر بر شما جفا کنند بدیگری  
 فرار کنید ..... پس هر که مرا پیش مردم اقرار کند  
 من نیز در حضور پدر خود که در آسمانهاست او را  
 اقرار خواهم کرد اما هر که مرا پیش مردم انگار  
 نماید من هم در حضور پدر خود که در آسمانست  
 او را انکار خواهم نمود ..... هر که جان خود را

بخاطر من هلاك كرد آن را خواهد دریافت .  
 و در انجیل متی فصل بیست و هشتم آیه ۱۹  
 چنین مرقوم : " رفته همه امتهارا شاگرد  
 سازید و ایشان را باسم اب و ابن و روح الله  
 تعمید دهید . "

در قرآن کریم دستورهای صریح برای تبلیغ  
 نازل شده که بسیار آموزنده است من جمله  
 در سوره مبارکه " النحل " که شانزدهمین سوره  
 قرآنی است آیه یکصد و بیست و شش چنین  
 میفرماید :

" ادع الی سبیل ربك بالحكمة والموعظة  
 الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن " .  
 مضمون بیان مبارك بفارسی چنین است :  
 " مردم را براه خدا بحکمت و نصیحت نیک  
 دعوت نما و با آنان بجآنچه که بهتر است

مذاکره و مباحثه کن .

بهین طریق جمیع مظاہر مقدّسه پیروان  
خویش را به تبلیغ مردمان امر فرموده و آن رایگانہ  
وسیلہ اہدای امت آنان براہ راست شمرده اند .

### ہفتم - لزوم مطالعہ آثار امری

تلاوت آیات الہی و مطالعہ آثار امری برای  
تبلیغ تعالیم بہائی بنفوس مستعدّہ طالبہ  
بسیار لازم بلکہ واجب است زیرا :

اولا - دعا و مناجات و زیارت الواح مبارکہ  
روح را ہر فتوح و قلب را نورانی میکند و جان و  
روان انسان را نیرو و توانائی عنایت میفرماید  
و بدون توجّہ بساحت قدس الہی و رجائی  
تائید و توفیق از حضرت نامتناہی موفقیت  
در هیچ امری علی الخصوص ابلاغ پیام یزدانی

ممتنع و محال بوده و خواهد بود .

حضرت عبدالبهاء راجع بدعا چنین میفرمایند :

" دعا واسطه ارتباط میان حق و خلق است  
 و سبب توجه و تعلق قلب .... بنده باید  
 بدرگاه احدیت تضرع و ابتهال نماید و نماز  
 و نیاز آرد " .

ثانیا - تلاوت آیات الهی و مطالعه آثار  
 امری معلومات شخص بهائی را در مسائل روحانی  
 غنی میسازد و دائره اطلاعات دینی را وسعت  
 میبخشد و انسان را برای فهم مطالب عالیه  
 مهیا و آماده میکند و میزان و مقیاس صحیح  
 برای سنجش افکار مختلفه بدست میدهد  
 این است که در آتم الکتاب دور بهائی یعنی  
 کتاب مستطاب اقدس امر اکید بتلاوت آیات الله  
 نازل شده بقوله تعالی :

" اتلوا آیات الله فی کل صباح ومساء "

آیات الهی را هر صبح و شام تلاوت نمائید .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

" هر روز صبح فرض و واجب است السواح و

مناجات خوانده شود آیات غذای روح است

روح قوی میشود و بدون آن از کار میافتد .

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبه و دعا

و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل و

عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور

مشکل بل ممتنع و محال ."

ثالثا - مطالعه آثار امری و کتب استدلالی

شخص را مسلح بسلاح دلیل و برهان مینماید و

کار مذاکره و محاوره بامبتدیان را آسان میکند.

رابعا - حضرت ولی امرالله برای ابلاغ

کلمه الله بدیگران رعایت " شرائط مدونه در  
 الواح " را تأکید و توصیه فرموده اند و تا انسان  
 آثار مبارکه را زیارت ننماید و الواح الهیه را  
 تلاوت نکند بر شرائطی که در آن آثار مقدسه  
 راجع با مرتبلیغ تدوین یافته مطلع نخواهد گردید  
 میفرمایند " الیوم تبلیغ بشرائط مدونه در الواح  
 اول فریضه هرنفسی است که خدمت بمرتبه علیا  
 را طالب و آمل باشد " .

خامسا - شخص بهائی که در میدان تبلیغ  
 قدم میگذارد حتی الامکان باید علوم و معارف  
 رائج بین مردم را تا آنجا که برای اقناع نفوس و  
 اثبات حقایق امرالله لازم است تحصیل نماید  
 و این منظور بدون مطالعه آثار بزرگان امر و کتب  
 مفیده علمیه حاصل نتواند گشت .

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

ت  
تحصیل علوم و فنون و معارف و اکتساب معلوما  
هرچند از لوازم ضروریّه محسوب نه ولی از تأثیر  
کلی و اهمیت عظمی خارج نیست " ،

تبلیغ

هشتم - پیشرفت امر الهی در اقطار عالم بوسیله

---

همه میدانیم که حضرت نقطه اولی ربّ اعلی  
در شب پنجم جمادی الاولی سنه یکهزار و  
دویست و شصت هجری قمری موافق با  
بیست و دوم ماه می سنه یکهزار و هشتصد و چهل  
و چهار میلادی امر الهی را بجناب ملا حسین  
بشروئی اظهار و ابلاغ فرمودند و ایشان در پایان  
آن لیلّه مبارکه بشرف ایمان فائز و برتبه رفیعّه  
اول من آمن یعنی نخستین نفس مؤمن بقائم  
آل محمد ارتقاء جستند و بلقب باب الباب  
ملقب گشتند و در آن حین در تمام روی زمین



فقط يك نفس پيرو اين آئين نازنين بود و پس  
 ولكن بمد ها جناب ملاحسين نفوس ديگري  
 را بظلّ كلمة الله آوردند و براه راست هدايت  
 کردند تا آنکه روز بروز بلکه ساعت بساعت  
 عدد مقبلين رو بفزونی نهاد بقسمی که سبب  
 وحشت و دهشت زمامداران امورگشت و فریاد  
 و فغان رؤسا دين و علما و روحانيين بلند شد  
 و پيشوايان قوم در مساجد و منابر مردم را بقتل  
 و غارت آن مظلومان تشويق کردند و اين عمل را  
 سعادت دنيا و آخرت خواندند و براثر اين  
 تحريکات و تلقينات عوام الناس زمين را بخون  
 صدها نفر از مؤمنين بشريعت حضرت  
 رب العالمين رنگين ساختند و هزاران خانه  
 و کاشانه را ويران و با خاک يکسان کردند  
 و بناله کودکان بيگناه و آه و انين زنان بي پناه

که قلب هر انسان شریفی را میگذاخت کوچکترین  
 توجهی نداشتند . با وصف اینحال چون  
 دوستان حضرت ذوالجلال شب و روز بتبلیغ  
 اشتغال داشتند و آنی از اجرای این فریضه  
 وجدانی غافل نبودند این جور وستیم  
 و درندگی و خونخواری دشمنان اسم اعظم امر  
 الهی را از نفوذ و غلبه باز نداشت و پیوسته  
 بر وسعت دائره امرالله و جمعیت احبباء  
 میافزود بنحوی که پس از شهادت حضرت اعلی  
 صیت امرالله از ایران بمراق عرب سرایت کرد  
 و در زمان صعود حضرت بهاء الله بیست و نه  
 مملکت بظلمت کلمه الله آمد و پس از عروج روح مقدس  
 حضرت عبدالبهاء بجهان بالا سی و نه کشور  
 بنور امر الهی منور شد و بعد از صعود حضرت  
 مولی الوری بر اثر مساعی شبانه روزی و فداکاری

و جانبازی احبّاء الهی در شرق و غرب دنیای  
 بهائی که در ظلّ ظلیل مولای جلیل حضرت  
 ولی امرالله به تبلیغ امرالله و ابلاغ کلمة الله  
 و اجرای نقشه نهساله مولای توانا مآلوف بودند  
 و پس از غروب قمر ولایت و عروج روح اقدس ولی  
 عزیز امرالله بملکوت ابهی که حضرات ایادی  
 امرالله علیهم بهاء الله دوستان راستان  
 را بتبلیغ امرالله تشویق و دلالت مینمودند و بعد  
 از استقرار دیوان عدل اعظم الهی در دامنه  
 جبل کرمل در سال ۱۹۶۳ میلادی که آنمقام  
 ملهم نقشه نهساله را تدوین و بی درسی  
 پیروان آئین ربّانی را با بلاغ پیام آسمانی  
 بنفوس بشری ترغیب و تحریض فرموده و میفرمایند  
 تا اول رضوان سال ۱۹۷۱ میلادی یکصدوسی  
 و پنج کشور مستقل و یکصد و هشتاد و دو جزیره و

امیرنشین بظل آئین نازنین آمده و در چهل و شش  
 هزار و سیصد و سی و چهار مرکز تحت سرپرستی  
 و اشراف ده هزار و سیصد و شصت محفل محلی  
 و یکصد و یک محفل ملی هزاران هزار بهائی  
 با جرای امر مهم تبلیغ مشغول بوده و هستند  
 و این ارقام آن به آن عوض میشود و زیاد تر  
 میگردد . این است که حضرت عبدالبهاء  
 راجع با همیت و عظمت امر تبلیغ چنین میفرمایند :  
 " این اثر . . . . از هادی اول تتابع  
 و مترادف و تسلسل در مؤمنین دیگر کند عاقبت  
 يك نفس مقدس سبب احیاء صد هزار نفوس  
 شود " .

\*\*\*\*\*

\* \*\*\*\*\*